

نگهگیری فرهنگ

قسمت ۵



ظاهر دقیق

۵ - عصر فلزات

در عصر نوسنگی، سنگ فندک (چقماق) مساعد جهت تهیه ابزار باندازه کافی وجود نداشت و نایابی آن عملاً محسوس بود. بدین لحاظ، انسانها معدن را تا به عمق ۸ متر میشکافتند و سنگ فندک را از عمق زمین بیرون میآوردند. و این یک عمل مخوف بود. باستان شناسان در هنگام کاوش یکی از این معدنها، اثرات اجساد یک کارشناس و فرزند او را کشف نمودند که در اثنای فروپاشی معدن به شهادت رسیده بودند.

صنعتگران بدوی در جستجوی انواع جدید سنگ بودند که برای تهیه ابزار مفید و ثمربخش میبود. ایشان بعضی اوقات با سنگهای سخت و سبز بر میخوردند. او را بالای شعله آتش در تنوری می گذاشتند تا اینکه شکاف و یا انشعاب در سنگ رونما گردد. اما، سنگهای شگفت انگیز در آتش قوی

و شدید نمی ترکید بلکه ذوب میگردید. زمانیکه آتش خاموش میگردید، این سنگها دوباره سخت میگردید، از خاکستر آنها، توته های صیقلی و جلادار مس را استخراج مینمودند.



تصاویری از انواع سنگهای مخلوط با مس

چنین فرضیه ای وجود دارد، اولین فلزی که انسان در عصر نو سنگی با او برخورد نمود طلای بومی بود. بعداً، انسانها فلزات مانند: حلبی، نقره، سرب و متعاقباً آهن را اختراع نمودند. در شروع استحصال مس – فلز نرم را آموختند که در حرارت بسیار کم ذوب میگردد.

تخمیناً، در هزاره ششم قبل از میلاد در شرق نزدیک میتا لورژی (فلز کاری) بوجود آمد و انسان ساختن ابزار عادی، وسائیل ترئینی و سلاح را از فلز آموخت. از همین زمان قرن سنگی مس آغاز میگردد. انسان در پهلوی استفاده ای گسترده سنگ چقماق در اقتصاد، به تسخیر و بهره برداری آهن میپردازد. اما، ترویج فلز کاری ابتدایی بسیار بطی بود. اولین محصولات مسی قبل از هزاره سوم قبل از میلاد مسیح بوجود آمد.

۷۰۰۰هفت هزار سال قبل، انسانها بطور فعال از مس برای ساختن تیرها، چاقوها و افزار دیگر استفاده نمودند. مس مرحله بمرحله جاگزین سنگ شد. عصر مس را، دوره هزاره ۳-۴ قبل از میلاد عیسوی مینامند.

در پهلوی مس، انسانها فلزات قیمتی - طلا و نقره را استحصال نمودند. بدین گونه صنعت آهنگری، طلا و جواهرات بوجود آمد.

مس - عبارت از فلز است. او خیلی راحت تر و مناسبتر نسبت به سنگ است. از اثر ضربت شدید، تیر و یا کارد سنگی می شکست. اما، تیر و کارد مسی صرف خمیده و قات میگردید. افزار سنگی شکسته بدور انداخته میشد. اما، اشیای مسی خمیده شده را راست و یا دوباره ذوب مینمودند. خرده های فلز را ذوب و در بین یک قالب گلی از قبل ساخته شده میریختند. زمانیکه مس سرد میگردید، او را از قالب بیرون می آوردند. توسط همان یک قالب افزار فراوان را میساختند. کیفیت افزار های مسی نسبت به افزارهای سنگی و استخوانی نهایت بهتر و عالیتر بود. سوزنها و سنجاقها نسبت به سوزنهای استخوانی بسیار مدام و مقاوم بود. تیغه های چاقو مسی بشدت تیز میگردید. حتی، از مس وسائیل مانند، مقراض، انبر دست، چکش و اهره را میساختند که تهیه آن از سنگ غیر ممکن بود.

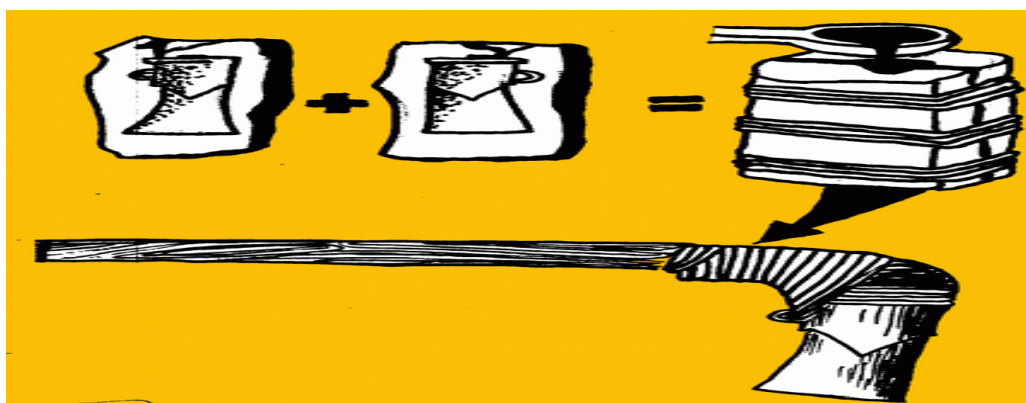
با رشد زندگی زراعتی ضرورت تبادل محصولات کار بین زمینداران، مالداران و صنعت گران بوجود آمد که منجر به رونق تجارت گردید. بعد ها، نخستین پول بوجود آمد. به عنوان پول قدیمی صدف، پوستهای حیوانات، نرگاوها، و غله جات عمل مینمود. اما، به عنوان پول مناسب ترین وسیله تبادل سکه ها و یا توتاهای فلزات - مس، نقره و طلا بود.



نقشه کوره ای ذوب مس و تصویر از ذوب گران بدوی

افزار کار قرن مس

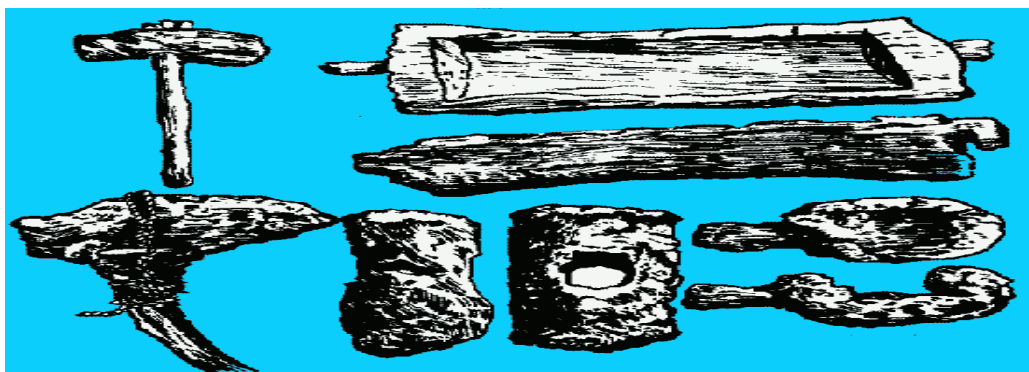
عالم مشهور بنام س. آ. سیمونوف تجربه ای را مورد آزمایش قرار داد که کاپی دقیق تبرهای سنگی و مسی باستان را آماده ساخت. تبر سنگی موفق گردید که در ظرف ۱۵ دقیقه درخت کاج (صنوبر) را که دارای ضخامت ۲۵ سانتی متر بود قطع نماید و تبر مس صرف در ظرف ۵ دقیقه موفق به قطع آن گردید. و این آزمایش چندین بار عین نتایج را بار آورده.



تصویری از پروسه ساختن افزار مسی و چگونگی نوب مس

مس در روی زمین نادر و کمیاب است. بهمین لحاظ، انسانها هر گرام مس را نگهداری مینمایند. واضحاً، شماری قلیل از افزارهای مسی نمیتوانستند تا به آخر افزارهای سنگی را عوض نمایند و آنرا از ریشه محو نمایند. کما فی السابق از سنگهای محکم، چاقوها و نوک پیکانها تهیه می گردید. اما، باز هم رول عمده را افزارهای مسی اجرا مینمود.

در کوهها، جائیکه سنگ معدن مس کشف میگردد، ساکنان محلی مرحله بمرحله به ماهران خوبی آهنگری مبدل میگردد. ایشان در زمینهای غیر حاصلخیز کمتر مصروف میگرددند و بندرت به نسلگیری حیوانات میپرداختند. زیرا، چراگاهها از حد تهی بود. اما، آنها سنگهای معدنی گوناگون و غنی مانند: مس، حلبی و سرب را اختراع و به نوب آنها میپرداختند. قبائیل همجوار با میل و علاقه وافر به تبادل گندم، حیوانات و سائیر کالاها با میله های آهن میپرداختند. صنعتگران (استاد کاران) آهنگری این اسرار و دانش را در نزدشان مخفی نگه میداشتند و برای بیگانگان افشاء نمیگردید. بهمین جهت، آنها بنام ساحران (جادوگران) و کسانیکه نزدیک بروح بودند مسمی بودند.



افزار کار معدنچیان معدن مس. (کشفیات باستان شناسان)

اختراع گاو آهن (سپار)

انسانها عمران زراعت را بهبود می بخشیدند. ایشان قدیمی ترین سپار را اختراع نمودند که مشابه به کج بیل بزرگ بود، گاونر را به سپار مهار مینمود، بکمک او زمینهای سر سخت نرم و شخم کاری میگردد. مساحت زمینهای زراعتی روز بروز رو بوسعت بود که در نتیجه آن، در حا صلات افزایش بعمل میآمد و انسانها از گندم ذخائیر بزرگ را می ساختند.

تقسیم کار

اختراع و استفاده از فلزات در زندگی نیاکان اولیه ما، باعث تغییرات جدی گردید. قبلاً کارگران عمده و اساسی زمینهای زراعتی را زنان تشکیل میدادند که کج بیل هارا در دست داشتند. اما، برای زنان بسیار بعید بود که با بلوس و اسپار (یوغ و سوقمه) سنگین مقابله نمایند و از عهده این شغل کنار آیند. این مقام و شغل زنها را مردها عوض نمودند. کشت و زرع نمودن به شغل مردانه ای مبدل گردید. مزرعه داران به احشام ضرورت داشتند که چرخه و اسپار به آن مهار گردد. آنها سعی مینمودند که نرگاوها و اسپهای قوی را انتخاب و با خود بگیرند، اگر خوراک برای احشام کفایت نمی کرد، از "ئی" زمینهای زراعتی تغذی می گردید.

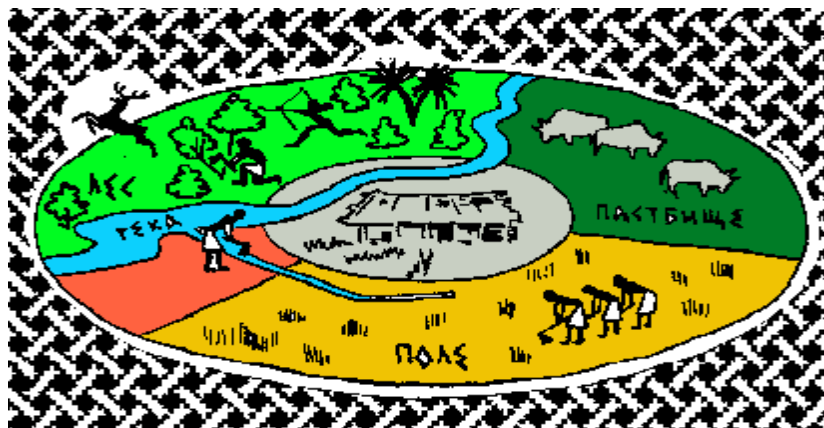
ولی، مرتب و مهیا ساختن زمینهای زراعتی و چراه گاهها و مواضبت از رمه ها کار دشواری بود. بهمین منظور، شماری از اعضای جوامع اشتراکی صرف در مالداري و شماری دیگری هم در کشت و زرع اشتغال داشتند. بدین گونه تقسیم کار و جدائی زمینداران از مالداري بوقوع پیوست.



تصویر ماهور (تپه) عصر مس در انگلستان

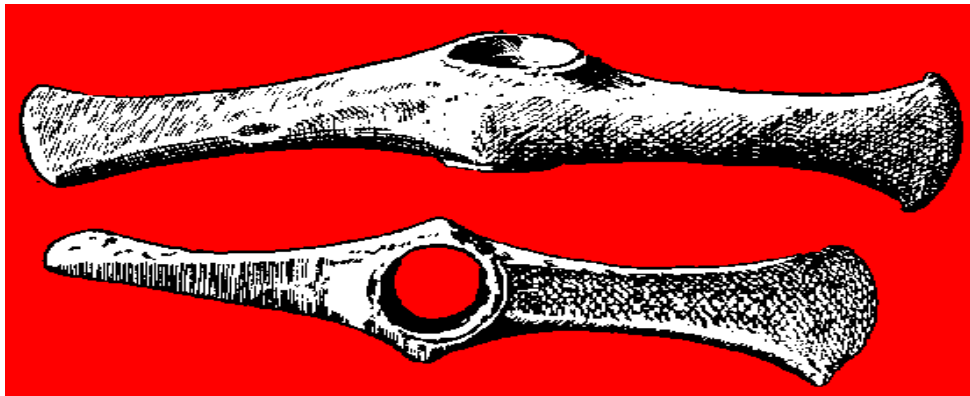
انجمن کشاورزان، دهکده‌های را در لب رودخانه‌ها و دریاچه‌ها اعمار مینمود. کشاورزان در آنجا، در یک محل دهها سال زندگانی می نمودند. زمینهای زراعتی تهی میگردید و از بازدهی غنی و ثمربخش باز میماند. سپس، انسانها تغییر مکان مینمودند و دهکده‌هایی را در محل جدید ساختمان می کردند، زمینهای جدید زراعتی را تفکیک نموده و کشت و زرع می نمودند.

جوامع گله داران علفچرهای تازه و آبرای برای رمه‌ها جستجو مینمودند و همیشه در گردش بودند. شوبانان در خانه‌های روشن و از قبل تهیه دیده شده مانند: خیمه‌های چادری و خیمه‌های کروی بودوباش می نمودند. آنها برای همسایه‌های شان احشام تفویض می نمودند، پشم و چرم را برای مبادله می بردند و زمینداران در عوض گندم، مس و ترکاری میدادند. در آغاز، کوچیها و زمینداران با همدیگر مناسبات حسنه و دوستانه داشتند. اما، بعدها بین آنها عداوت و خصومت بر میافروخت. چونکه زمینداران به میدانهای زراعتی برای محصولات اشد ضرورت داشت، و برای مالداران داشتن چراگاهها از نیازمندیهای مبرم بود. مناقشه و جدل سر زمین آغار میگردید.



نقشه از ساحة تسلط اجتماع قبیلوی

برای آنکه معدن مس را کشف نمود و فلز را ذوب نمود، نیاز به تجربه و دانش بود. کارشناسان بطور متواتر در فکر اختراع فورم های جدید قالبگیری بودند و میاندیشیدند که چگونه افزار کار مستحکم تر و مناسب تر تهیه گردد که در آن مقدار مس کمتر مصرف گردد. زمانیکه ظروف را میساختند، بدقت ناظر آن بودند که کدام سفال را آسانتر خمیر نمود و چگونه او را طبخ کرد. اگر از او درست استفاده گردد، برای انسانها فائیده میرساند و برای زندگی تسهیلات بوجود میآورد.



افزار کار مسی . (کشفیات باستان شناسان در شهر پ.دوناى Дунай (p).

زحمت و کار انسانها نسبت به قبل نتایج مثمر را ببار آورد. با طبرهای مسی بوته ها و درختان قطع و خرد میگردید، با داسها نژی و علفزارها درو میگردید. بالای زمینها آزاد، زمینهای زراعتی جدید مرتب میگردید. این زمینها بوسیله کج بیلهای نوکدار مسی بزودی در مدت و زمان بسیار اندک زرع و پردازش مییافت. بعد ها، کج بیلهای بزرگ ساخته شد، یک نفر او را کش مینمود و نفر دیگر او را فشار میداد تا اینکه زمین خوب شل و سست گردد. بدین گونه افزار جدید کار بوجود آمد که بنام (گاو آهنهای چوبی) یاد میگردید. بعداً در گاو آهن نرگاوها را مهار می نمودند. حالا دیگه، زمین را نه تنها شل می نمودند، بلکه او را شخم میزدند. نیروی نرگاوها، وزن و شدت " یوغ " و "نوک تیزهای مسی" به محافظت و ذخائیر قوت و نیروی کشاورزان مبادرت میورزید.



اسپار Coxa . تصویر از نقاش معاصر

س.آسمیونوف و همکاران وی زمین زراعتی هم مساحت را با کاپی دقیق کج بیل بدوی و بلوس (اسپار) زرع و کشت نمودند. ثابت ساختند که به کمک بلوس(اسپار) و نرگاو نسبت به کج بیل، زمین زراعتی را میتوان ۵۰ مرتبه سریعتر کشت و زرع نمود. در حاصلات افزایش بعمل آمد، گرسنگی و فقر اجتماع را کمتر مورد تهدید قرار میداد.

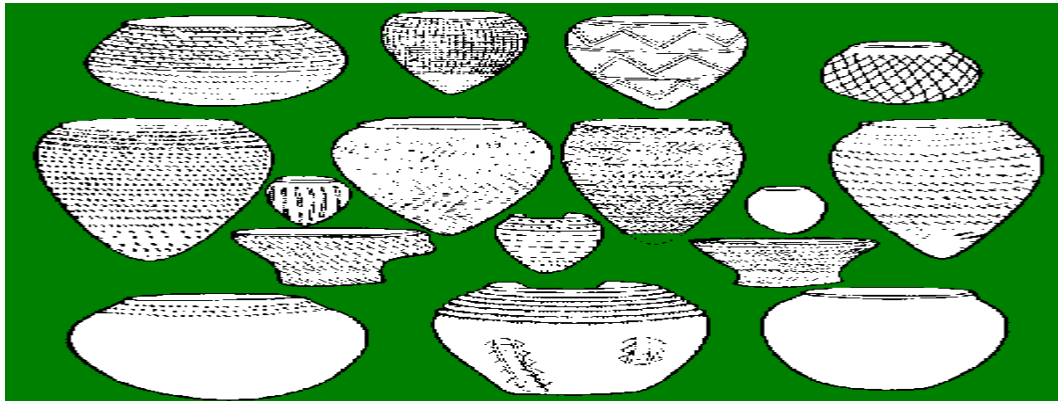
دامداران سایبریایی جنوبی

در هزاره سوم قبل از میلاد عیسوی، در سواحل رودخانه های اینیسی Yenisei و التایی Altae مالداران عصر مس جا گزین گردیده بودند. در اثر حفاری باستان شناسان در کوه آفانا سیفسکی واضح گردید که شبانان مرده های شانرا درچاه های بسیار عمیق، جائیکه مانند کلبه (کاشانه) از سیاهه ها اعمار گردیده بود، تدفین می نمودند. بام چنین "کلبه" یا کاشانه را از ورقه های سنگ و یا چوب می ساختند. بعد از آنکه قبر را پر میکردند و از تخته سنگها که علامت خورشید را نشان میداد، یک دایره(حلقه) درست میکردند. بعداً در صدرآن یک تپه گگ می ساختند.

مالداران روستاهایی سایبریایی جنوبی بیسار فقیر و غریب بودند. این دهکدهها از کلبه های مخملی و گلی اعمار گردیده بود . و این قابل تعجب نیست. زیرا، رمه ها اکثر اوقات از یک محل به محل دیگر رانده می شد و چوپانان درخیمه ها بودوباش می نمودند. مقدار زیاد از افزار کار هنوز از استخوان و سنگ تهیه می گردید. اما، از مس سوزن، چاقو، دشنه(خنجر) و تبر میساختند.

بسیار جالب و شگفت انگیز است؟؟؟

مردم نهایت قال احترام در اجتماع، چوپانان و آهنگران بودند. یعنی، مردها. زنان مقام رهبری را آهسته آهسته از دست داده بودند، و به آنان اهمیت کمتر قائل بودند. رسم و رواج مروج گردیده بود که بعد از مرگ مرد، زن را یکجا با شوهرش در "برزخ یا عالم مرده ها" می فرستاد. زن را بالای قبر مرده به شهادت میرساند و یکجا با شوهرش تدفین مینمودند. ساکنان سایبریا مرحله بمرحله زمینداری را آموختند. اما مالداری کما فی السابق بحیث شغل عمده و اصلی آنها، پا بر جا بود.



ظروف قبائیل فرهنگ افاناسیفسکی. (کشفیات باستانشناسی)



مقبره های عصر مسی در قفقاز



تصویر مقبره عصر مسی در پر تگال



اشیای کشف شده از مقبره ای عصر مس در تپه شهر مایکوپ



خانه روستائی قرن مس در یک جزیره. (تصویر از باستان شناسان)



درینجا، دهکده عصر مس استقرار داشته است. (عکاسی دانشمندان انگلیسی)

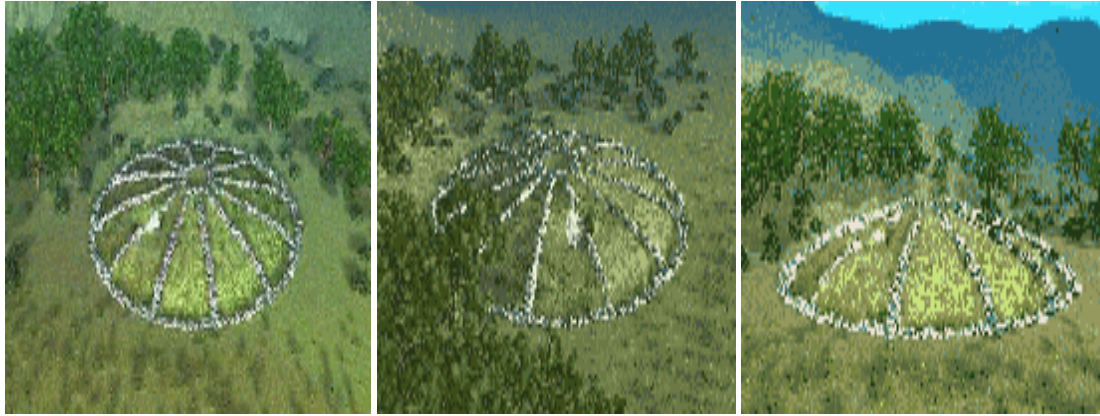


چرخ (گاری) دوران مس.

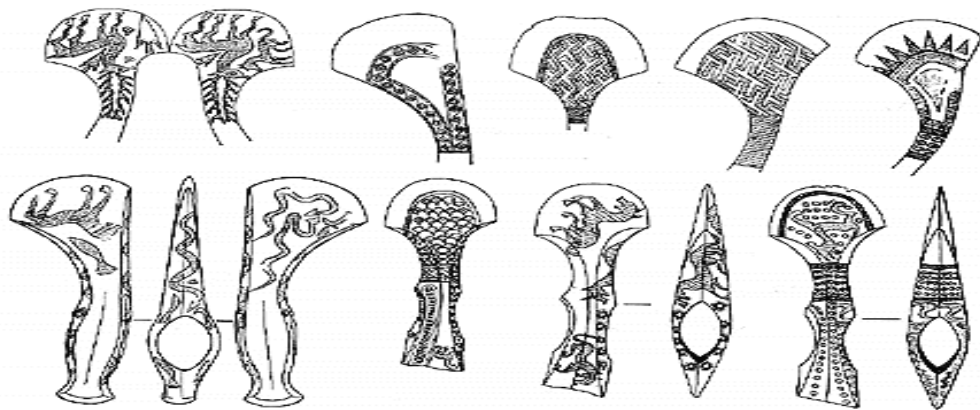
بوسیله لوازمات جدید، دهکدهها و چرخه های دستی مناسب را به سهولت اعمار مینمود. تخته های مستحکم و انعطاف پذیر بوسیله ای ااره های ضخیم برش میگردید و آموخته بودند که از این تخته ها قایق های بزرگ را درست نمایند که از آن در رودخانه ها و در بحر نیز استفاده گردد.



قایق (Ладья). تصویر از نقاش معاصر



معبد در قفقاز. (کشفیات باستان شناسان شوروی)



تزئین تبرهای عصر مس در قفقاز





محصولات کارشناسان عصر مس در قفقاز

زمانیکه انسانهای هند و اروپائی از بزرگترین رودخانه اروپای مرکزی و جنوبی بنام « دانوب » در سراسر جهان سرازیر میگردیدند، قبائل آریایی بطرف شرق حرکت نمودند، آنها در هزاره سوم قبل از میلاد عیسوی بین صحرا اولگا و دینیپر اقامت داشتند. اما ایشان مالداران بودند، نه کوچیها. گوسفندان و گاوها را در علفچرهای نزدیک رودخانه ها، در قرق (جای هموار) جا بجا می نمودند و از طرف شب در طبله خانه ها میراندند. دهکدهها از خانه های گلی با بامهای رید(نی) اعمار میگردید. چهار اطراف دهکده را خندق حفر مینمودند و سنگها را الی ارتفاع ۳ متر سر هم میگذاشتند و یا به اصلاح دیگر دیوار سنگی بلند می نمودند.

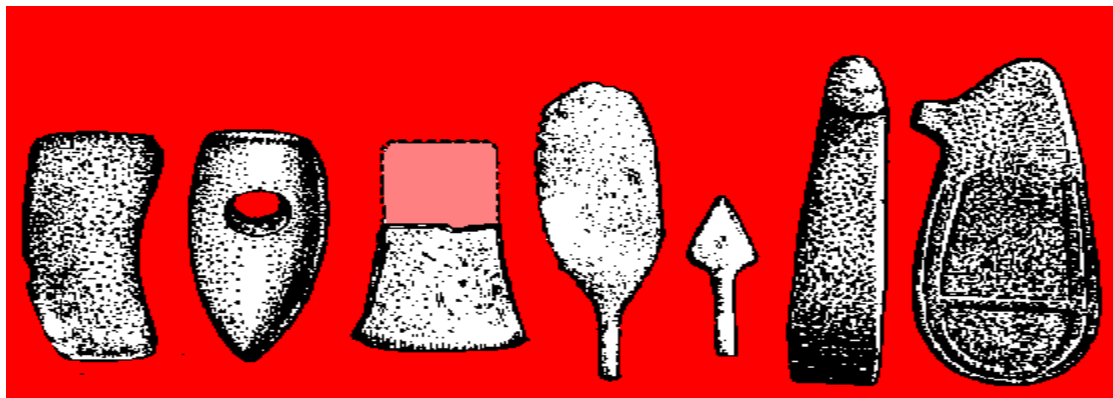
باستان شناسان، فرهنگ اجداد آریایی ها را بنام "آبا و اجداد من" نامیده اند. مرده ها را اکثراً در گودالهای عظیم ب خاک می سپردند، رنگ قرمز ضخیم را پاش میدادند. بالای مقبره یک تپه گگ میساختند و تصویر از مار، عنکبوت و یا حیوانات خارق العاده را ترسیم مینمودند. اجداد آریاییها دارای عنعنات باستانی بودند، قوانین و مذهب آنها هندو و اروپایی بودند. اسپ ها و انسانها قربانی قوانین بی رحمانه مذهب می گردیدند. چندی قبل، باستان شناسان محل اسرار آمیز و دردناک را کشف نمودند که انسانها، در آنجا قربانی گردیده اند.

زمانیکه، اجداد آریاییها سواری بر اسپ را درست آموختند، آنها بندرت به کشاورزی می پرداختند و توجه زیاد را به مالداری مبذول می داشتند. اجتماع آنها بطرف شرق و صحرا ی آسیا توسعه و گسترش مییافت. آنجا، آنها بدو گروه تقسیم گردیدند. یک گروه بطرف هند و گروه دیگر بطرف کشور که بنام "سرزمین آریاییها" مسمی گردیده است، یعنی در ایران اسکان گزین شدند.

از عصر برنز به آهن

قدیمی ترین تمدن در عصر مس بوجود آمد. بعد ها، انسانها برنز را اختراع کردند. برنز نسبت به مس قویتر و سختتر بود، از آن سلاح، چاقو، سپر، تیغه، داس، گاو آهن و دیگر ابزارهای کار را می ساختند. همچنان از برنز برای ساختن ظروف لوکس، گلدانها، مجسمه ها و دیکاراسیون برای کاخها و معابد استفاده مینمودند. عصر برنز از ختم هزاره ۴ قبل از میلاد عیسوی شروع و تخمیناً تا به اوسط هزاره اول قبل از میلادی ادامه می یابد.

از نیمه اول هزاره ۱ قبل از میلاد، آهن جا گزین برنز گردید. انسانها از این کشف جدید میتال بگونه شائسته استقبال نمودند.



اسباب کار شناس "فرهنگ سفالی". (کشف باستان شناسان)





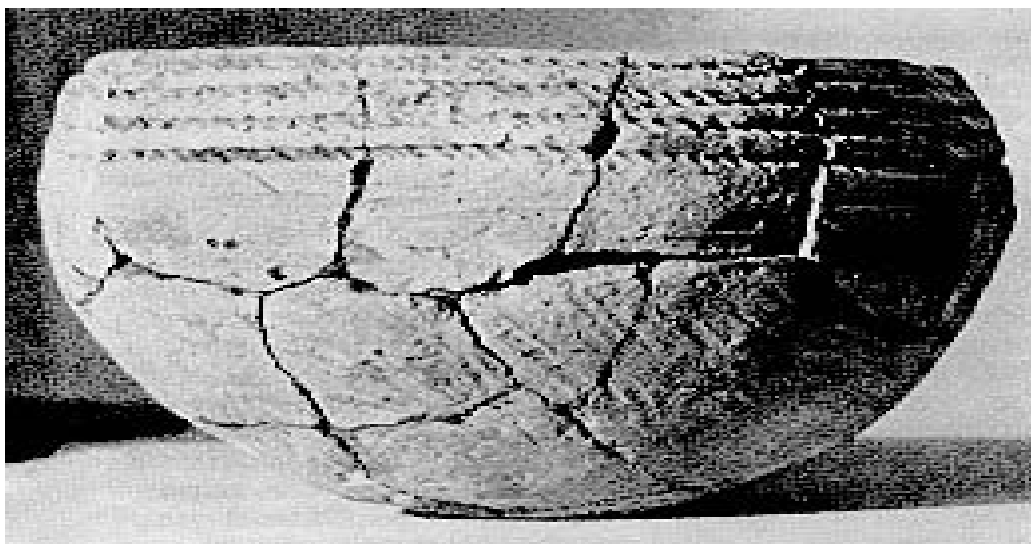
اسباب کار شناس "فرهنگ سفالی". کشفیات باستان شناسان



از کشفیات باستان شناسان شوروی در ترکمنستان



ظروف گیلی و پینی (سوزنی) فرهنگ گودالی باستان



ایین تدفین باستانی " فرهنگ گو دالی "

درسایت دانشنامه آریانا مراحل تکامل اقتصادی و مادی راچنین تقسیم بندی نموده است :
(پس از پایان آخرین عصریخ، مردم بزودی میآموزند که حیوانات را اهلی نموده و به زراعت
بپردازند. اینرا بصورت عام بنام انقلاب نوسنگی مینامند . درنیمه هزاره ششم ق م، انواع غله جات
در اکثر مناطق فلات ایران بشمول افغانستان کنونی کشت میشود. در اینوقت، سنگ هنوز ماده عمده تولید
وسایل است که با معرفی فلزات یعنی مس و برونز (برنج) تغیر خورده و باین ترتیب باستان شناسان
غالبا بین عصر مس و متعاقبا عصر برونز تفاوت قایل میشوند، با وجودیکه چنین دوره بندی تا
حدودی دلخواهانه (انتخابی) است. عصر مس در فلات ایران شامل دوره بین ۵۵۰۰ و ۳۰۰۰ ق م
تخمین میشود. عصر برونز تا نیمه دوم هزاره دوم ق م ادامه مییابد که آغاز عصر آهن است.)

مهم ترین ساحه عصر مس و برونز شناخته شده تا کنون، مندیگک در جنوب افغانستان است. این ساحه
حدود ۳۵ کیلومتر بطرف شمال غرب کندهار فعلی، بامتداد دریای کشک و نخود (یک شاخه دریای
ارغنداب) واقع بوده و در ۱۹۵۱ توسط یک باستان شناس فرانسوی کشف میشود. این ساحه
دربرگیرنده یک موقعیت ستراتژیک بامتداد یکی از مسیرهای است که سرزمینهای کوهستانی شمال را
به جلگه های حاصل خیز و وسیع کندهار در جنوب وصل میسازد. خود مرغ زار کندهار ایجادگر یک
گرهگاه برای مسیرهای بین شرق و غرب است، چون در شمال توسط کوههای افغانستان مرکزی و
در جنوب بواسطه دشت سوزان ریگستان محدود شده است (که بنام دهلیزاراکوزیا نامیده میشود).
در اینجا دریاهای متعددی از شمال شرق و شرق (بشمول ترنک و ارغستان) با دریای ارغنداب یکجا
شده و پس از حدود ۱۳۰ کیلومتر بطرف غرب با دریای هلمند یکجا میشود. ذخایر فراوان آب و

موقعیت ستراتیژیک، مرغزارکندهار را بیکی از مهمترین نواحی کشور تبدیل نموده و ساحه مندیگک نشاندهنده کهن ترین مسکونه دایمی شناخته شده تا کنون است.

کاوشگران مندیگک هفت دوره عمده را در آنجا تشخیص کرده اند که دوره های ۱ الی ۴ مربوط عصر مس و برونزاند. دوره بعدی ۵ نشاندهنده یک کاهش سریع در وسعت مسکونه ها بوده و مربوط به اوایل هزاره دوم ق م است. دوره های ۶ و ۷ مربوط به عصر (پیشرفته) آهن بوده و دربرگیرنده کلالی (سفالی) است که با کاشی های یافت شده در مراحل پائینی نزدیک کندهارکهنه (مربوط به اوایل و نیمه هزاره اول ق م) قابل مقایسه است.)

شاد روان علی احمد کهزاد در اثرخویش « فروغ فرهنگ» درمورد دوره برونز (مفرغ) چنین مینویسد :

(در آغاز هزاره سوم ق.م.خانه سازی با گل و پخته در مندیگک شروع شد (شبهه ئی نیست که در سوز ایران وجلگه بین النهرین عراق مراتب ساختن سر پناه از گل و حتی خشت خام قدامت دارد و به ۵-۴ هزار سال ق.م.میرسد)یکنوع ظروف گلی بسیار بسیط و کلفت و خشن ایجاد کردند. از حوالی دونیم هزار ق.م.در مرحله سوم اشغال تپه آبادی با خشت خام که در آفتاب خشک میکردند، شروع شد. دیوارهای خشتی نمودار گردید، ظروف گلی نازک تر و خمیره آن بهتر شد. ادوات و افزار سنگ صیقلی بخصوص سرهای پیکان دندانان دار بسیار ظریف از پارچه های سنگ چقماق که در کوههای «شاه مقصود» و «کشک نخود» به رنگهای قشنگ زرد و سرخ موجوداست، میساختند. با این سرهای پیکان دندانان دارسنگی صیقلی شده که بر سر تیرهای نیی و چوبی می بستند، بسهولت حیوانات و مرغهای دشتی و پرندهگانرا شکار میکردند. در همین وقت افزار مفرغی هم نمودار شد و نمونه های مانند کارد، چاقو، درفش، تبر و جوال دوز استخوانی هویدا گردید به نحوی که از مرحله سوم اشغال مندیگک به بعد تا مرحله سیزدهم در تمام طبقات زندگانی آثار و شواهد آن مشهود است و به استناد آن میتوان گفت که دوره برونز (مفرغ) در سر زمین ما بسیار طولانی و در حدود سه هزار سال دوام کرده است. از مرحله چهارم آبادی به بعد از استخوان توله دست و پا و قبرغه حیوانات برای افزارسنگی و مفرغی خود دسته می ساختند که شواهد آن در موزه کابل موجود است. از نظر معماری و هنری در جریان هزاره دوم و هزاره اول ق.م.در زندگانی مردم در وادی ارغنداب و هیر مند تحول شایسته نمودار شد. از نظر آبادی نسبتاً بزرگ و یک دست با فیل پایه نماها ظاهر شده است.)

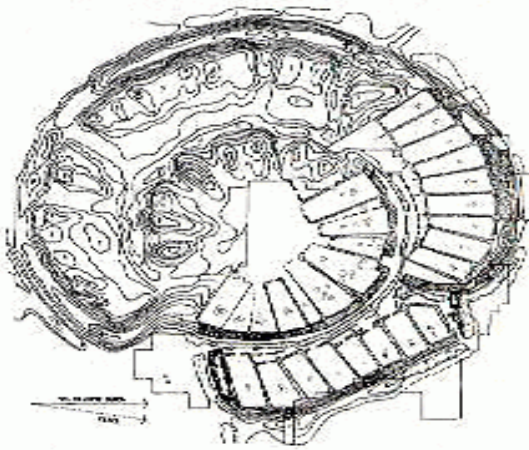
کشاورزی آسیای میانه

باستان شناسان، در جنوب آسیای میانه قدیمی ترین دهکده‌های زمینداران را حفاری نمودند. و در نتیجه آن، واضح گردید که در آنجا، دو نوع مردم زندگی داشتند. هر کدام دارای عنعنات، زبان و مذهب جداگانه بود. زمینداری شغل اساسی ساکنین این کشورهای گرم سیر بود. اما طوفانهای بهاری سوزان بسیار سریع زمینهای حاصلخیز را خشک و می سوزاند. به همین جهت، مزارعین با کج بیل ها از رود خانه ها بطرف زمینهای زراعتی و گیاههای زراعتی کانال ها حفر مینمودند. در زمینهای زراعتی حاصلات خوبی جو و گندم نمو می نمود. در صحرا و نیمه صحرا اسپها، شترها و گوسفندان انبار میگردید.

روستاها کوچک بودند، برای ساختمان نمودن آنها چوب و سنگ مساعد و کافی وجود نداشت. اما مردم محل راه حل مشکلات را یافته بودند. مردم به جحاری نمودن خشتهای گلی آغاز نمودند، خشت را در آفتاب خشک میکردند. کلبه گلی، در جاهای کم باران خدمت بزرگ را برای انسانها انجام میداد. زمینداران باستان اکثراً برای بچه ها مودل محل اقامت بازی و دوچرخه (گاری) جحاری می کردند. علما از روی اسباب و لوازم دریافتند که کدام تیپ از منازل و چرخ های دستی وجود داشته است.

از مس انواع گوناگون ا فزار کار می ساختند. بخصوص اشیای بسیار جالب، در هنگام حفاری دهکدههای آنای (Анау) و حمازگ(а) *Намазга* در دسترس باستان شناسان قرار گرفت. اشیای ذیل بودند: کاردها، تیرها، پین ها(سوزنها) و دشنه (خنجر).

برای آنکه مناسب و آرام کار نمود، بعضی اوقات، کارشناسان بطور مشترک در یک دهکده جداگانه مسکن گزین میگردیدند. چندی قبل باستان شناسان یک قریه را در اورال بنام "Аркаим" حفاری نمودند و این بمنابۀ یک کشف بزرگ باستان شناسی بحساب میرود. اندازه ومساحت دهکده باعث شگفت و حیرت علما گردید. او از دهها روستا و مراکز تحقیقاتی و آموزشی تشکل گردیده بود.



تصویر از شهر "آرکائیم" Аркаим

درین شهر، سالهای طولانی کار جریان داشت. درینجا، صنعتگران از راه های دور بخاطر آهن و محصولات سفر مینمودند. اما ثروت، ترقی و تعالی این صنعتگران روستاها مربوط به ذخائیر معدنی بود. زمانیکه این ذخائیر از هسته ای کوهها تخلیه گردید، ساکنن مرحله بمرحله دهکده را ترک نمودند و پاشان گردیدند. قصبه ها تخریب گردید و حتی نام محل، یک زمانی آهنگران در آنجا زحمت کشیده بودند، از خاطره ها پاک گردید.

علما ثابت ساختند که راههای خاص تجارتي کشف گردیده است که در آن زمینداران و مالداران آسیا آهن را انتقال میدادند. مثلاً قبائیل "فرهنگ آفاناسیفسکی" که قبلاً درباره آنها اشاره گردید، مس را از کوههای آلتایی بدست میآوردند و زمینداران محنت کش آسیای میانه در ایران او را تبادل می نمودند.

اجداد و نیاکان ما فلزات دیگری مانند طلا و نقره را نیز اختراع نمودند که نایاب تر است. بر علاوه این فلزات بسیار سنگین و نرم است. بهمین لحاظ، این فلزات برای ساختن ابزار کار مساعد نیست.

نهایت جالب است.. چگونه زمین را اندازه گیری مینمودند؟

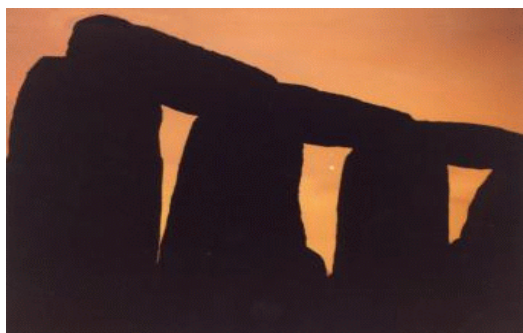
انسانها زمین را به طول و عرض بوسیله قدم ها اندازه گیری مینمود. اما، قدمهای انسانها یک سان نیستند. در آنزمان عده زیادی از قبائیل درازی را با دستها اندازه گیری میکردند، و برای آنها واحد اندازه گیری "آرنج" بشمار میرفت. در انگلستان تا به اکنون مسافه را توسط فوت اندازه گیری می نمایند. کلمه فوت درازی پاهای انسان بالغ را معنی میدهد که تقریباً ۲۵ سانتی متر است.

انسانهای نیاندرتالیها میتوانند حاصلات را تقسیم نمایند. آنها درک میکردند که یک جنس کامل وجود دارد و جنس از بخش وجود دارد. حاصل(تولید) را به قسمت ها(قطعه ها) تقسیم میکردند، آنها شمار کردن را نیاموخته بودند، اما درک می نمودند که "یک"، "زیاد"، "هیچ چیزی" وجود دارد. انسانهای فهمیده و صاحب عقل حساب را ایجاد کرده بودند که در هنگام حساب کردن، آنها از سنگچیل ها و انگشتان کار میگیرفتند. ما ارقامهای بدوی رومی I,II,III را بخاطر داریم. این ارقام، انگشتان با لا شده را انعکاس میدهد. در دو دست ده انگشت وجود دارد. به همین دلیل است که بشریت از عمق باستان شمار "ده" را می شناسند. انسانها بعداً تفریق کردن و جمع کردن را آموختند.

انسانها از قدیم نه تنها زمین را بلکه ستاره های آسمان را نیز اندازه گیری مینمودند. در باستان برای ستاره های زیاد و گروههای از ستاره گان نامهایی را گذاشته بودند: دب اکبر(خرس بزرگ)، کهکشان. ساکنان اولیه انگلستان از بلوک های بزرگ سنگ، حلقه عظیمی را اعمار نموده بودند. در لحظه حاضر این ساختمان را بنام استون هنج (Стоунхендж) مینامند.

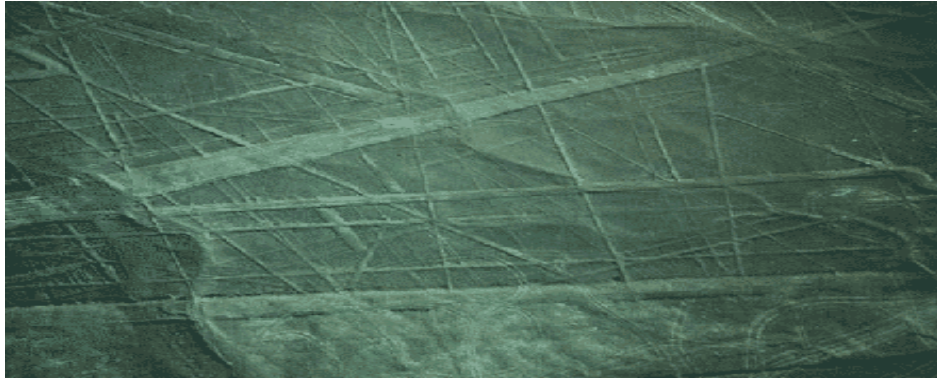
هر کی در اوسط حلقه سنگی استاده شود و به طرف آسمان ترسپ نماید، میتواند با دقت قابل ملاحظه تاریخ هر روز را حساب نماید. اگر اسرار و سحر این ساختمان را بداند. کشیشان(ستاره شناسان) از آنجا بطرف آفتاب، مهتاب و ستاره گان ترسپ مینمودند، می شمردند که یک سال ۳۶۵ روز است و یک سال ۱۲ ماه است. زمانیکه باستان شناسان به اسرار شگفت انگیز این ساختمان پی بردند، آنها از دقت و درستی دانشهای اولیه (بدوی) مات و مبهوت ماندند.





تصویرهای از ساختمان استون خنج. (تصاویر از نقاشان معاصر)

همچنان سرخ پوستان امریکایی، در صحرای نازکا چنان تقویم عظیم را از سنگ ساخته بودند که دانشمندان حیرت زده، از مزاق و مسخره او را " بر خاستگاه میدان هوایی " نامیده بودند.



تصویر از صحرای نازکا. عکاسی هوایی

دانش و اسطوره

آگاهی انسان اولیه کامل نبود. انسانها محاسبه مینمودند که یک سال ۳۶۵ روز است، اما نمی دانستند که چرا کم و زیاد است. زمینداران درک مینمودند زمانیکه رودخانه کم آب و یا خرده میگردید، اما برای آنها قابل درک نبودند که چرا آب جاری میگردد. تمام چیزهائیکه برای ایشان آشکارا بود، از اراده خدایان میدانستند. آفتاب را چشم خداوند، باران را اشکهای خداوند و رعد و برق را تیر کمان خداوند می نامیدند. دانستنی های مفید در اسطوره با افسانه ها و داستانها ارتباط بسیار نزدیک داشت و با هم خلط گردیده بود که تفکیک آن بسیار بعید بود. در نقشه ها در پهلوی کشورهای موجوده، نقشه ای "کشور مردهها"، "کوه خدایان" و یا "تصاحب روح شیطان" را ترسیم مینمودند. کاهنان مناجاتهای عاری از فائیده را در مورد صحتمندی مریض یکجا با دواهای طبابت بر ضد امراض مورد اجرا قرار میدادند.

انسانها نمی توانستند دانشهای خویش را نوشته نمایند و آنها را بشکل شفاهی در قیافه ای افسانه، ترانه و قصه ها میآموختند.

در عصر مس، اسطوره کما فی السابق بمثابه ای یکی از انواع دانشهای بشری یا بر جا باقی مانده بود.



اسرار این ساختمانها هنوز هم توسط باستان شناسان انگلیسی حل و فصل نگردیده است.

میر محمد غبار مورخ مشهور کشور در اثر خویش " افغانستان در مسیر تاریخ " در مورد اسطوره چنین بیان می نماید:

(در هر حال قصه ها و اسطوره ها از یک گذشته بسیار دور افغانستان حکایت می کند که در تاریخ های ماضی و شهنامه از آن ذکر شده است. قصه مشهورتر آنها داستان (ازی دهاکا یا ضحاک ماران) یعنی پادشاه چند هزار سال پیشتر سامی بین النهرین است که گویا از راه ایران به افغانستان تاخته، و دولت پیشدادی یا پارادات های افغانستان را در پایتختش بلخ سقوط داده است و جمشید یا (یا ما) پادشاه بلخ تاج خود را از دست داد، تا شاه دیگر پیشدادی (فریدون یا تری تونا) قیام کرد و در بین النهرین عسکر کشید و ضحاک را بکوفت.

همچنین داستان (نینوس) پادشاه آثوری حاکی آن است که او از راه ایران و ارمنستان به افغانستان) در هزاره اول قبل از میلاد) تاخته و بلخ را فتح کرده است. شهنامه ها از سلسله دولت های قدیم افغانستان بنام پیشدادی و کیانی (کوانی) و اسپه ها داستانهای بزرگ رزمی را بوجود آوردند. در هر حال در طی همین تحولات اجتماعی بود که مردم افغانستان از مرحله اساطیری و عناصر پرستی و میتا لوژی عبور کرده و بمرحله مذهبی تکامل نموده است. نتیجه این تکامل در هزاره اول قبل از میلاد، دریکی از قدیمترین کتابهای جهان (اویستا) بظهور رسید.

اسطوره چیست؟؟؟

اسطوره انعکاس حقایقی است که قرنهای پیش، این حقایق واقعیت داشتند و انعکاس این واقعیتها از نسل به نسلی انتقال یافته است. یاد آن واقعیتها با اضافات احساسها، عاطفه ها و علاقه ها در ابعاد مختلف خویش از سوی نسل ها در ادبیات بنام اسطوره یاد میشود و هم اسطوره نماد از زندگی دوران از دانش و صفت و نشان مشخص روزگاران باستان است. تحول اساطیری هر قوم معرف تحول شکل زندگی، دگرگونی ساختار اجتماعی و تحول اندیشه و دانش است. در واقع اسطوره نشانگر یک دگرگونی بنیادی در پوشش بالا رونده ذهن بشری است. اساطیر روایات است که از طبیعت ذهن انسان بدوی ریشه میگیرد و بر آمده از رابط دوسویه این دو است.

در سایت «اصالت» در باره اسطوره چنین آمده است:

(واژه اسطوره در اولین معنایی که در يك عقل عرفی به ذهن آدمی می رسد نوعی نظام فکری است که جوامع اولیه انسانی برای یافتن پاسخهای خود به آن رجوع می کردند. انسانهای اولیه و تمدنهای ابتدایی برای فهمیدن علت های انسانی و خصوصا طبیعی به هر آنچه حالت رمزگونه داشت رجوع می کردند و برایش قصه می ساختند و در پرتو این نوع نگاه بر اطراف خود نام می گذاشتند و می توانستند برای خود امنیت فکری دست و پا کنند. آنان به خورشید و ماه و ستارگان و آتش و سنگ و بت و چوب و آب و جن و فرشته و پری و... لقب خدا می دادند. برای آنها رابطه می ساختند و این نه تنها نمود ذهنی که نمود عینی خود را نیز در قالب دعا و نیایش و قربانی و ذکر به دست می آورد.

اسطوره شناسی دانشی است که به بررسی روابط میان افسانه ها، و جایگاه آنها در دنیای امروز می پردازد. اسطوره نماد زندگی دوران پیش از دانش و صفت و نشان مشخص روزگاران باستان است. تحول اساطیر هر قوم، معرف تحول شکل زندگی، دگرگونی ساختارهای اجتماعی و تحول اندیشه و دانش است. در واقع، اسطوره، نشانگر یک دگرگونی بنیادی در پوشش بالا رونده ذهن بشری است. اساطیر، روایاتی است که از طبیعت و ذهن انسان بدوی ریشه می گیرد، و بر آمده از رابطه دوسویه این دو است.



اسطوره داستانی است که معمولاً به بحث درباره ی آغاز یا فرجام آفرینش یا تاریخ می پردازد و مجموعه ی به هم پیوسته ای از این داستانها «فرهنگ اساطیری» یک ملت را می سازند. بسیاری از اساطیر بیانگر اشکال دگرگون شده ی ادیان یا آیینهای باستانی هستند. حماسه اما برخلاف اسطوره لزوماً درباره ی آغاز تاریخ آفرینش یا فرجام آن نیست و قهرمانان آن گرچه گاهی از وجهی ماوراء طبیعی برخوردارند، خدا یا فرزند خدایان نیستند. آنها مدت محدودی زندگی می کنند و پس از انجام اعمال شگفت آور سرانجام مرگشان فرا می رسد. البته بسیاری از حماسه ها ریشه در اساطیر دارند که به نوعی عرفی و دنیوی شده اند. لذا حماسه ها معمولاً به دوران متاخرتر برمی گردند. (

ادامه دارد . . .

منابع :

A.A.Горелов

полный курс

Культурология В Вопросы и ответах

За три ДНЯ

Если хочешь сэкономить время-это книга для тебя

۳۰، ۲۹، стр

درس کامل -

آ.آ.گوریلوف

مطالعات فرهنگی (کلتورولوژی): پرسش و پاسخ

در طول سه روز

اگر می خواهید به وقت صرفه جویی نمائید، این کتاب برای شما مناسب است

صفحات: ۳۰، ۲۹

В.А.Соколов
Культурология(Шпаргалки)Для студентов ВУЗОВ
۲۰۰۸.Растов-на-Дону

۴۶،۴۴ стр.(Раздел.певобытня култура)

- کلتورولوژی برای متعلمین موسسات تحصیلات عالی "دزدی ادبی(نقل کردن)"
بخش. فرهنگ اولیه.ص، ۴۴، ۴۶
نوشته: ب.آ.سک洛夫 سال ۲۰۰۸

Матюшин Г.Н. Археологический словарь. - М.: Просвещение: АО "Учеб. лит.", ۱۹۹۶. -

۳۰۴ с.: ил. ISBN ۵-۰۹-۰۰۴۹۵۸-۰.

- لغاتنامهء باستان شناسی. مؤلف گ. ن. ماتیوشین. سال ۱۹۹۶ ص.۳۰۴

- کتاب درسی پوهنتون دولتی مسکو بنام م.ف. لوموسوف. فاکولته تاریخ شعبه "باستان شناسی" سال ۲۰۱۱

МОСКОВСКИЙ ГОСУДАРСТВЕННЫЙ УНИВЕРСИТЕТ
имени М.В. ЛОМОНОСОВА
ИСТОРИЧЕСКИЙ ФАКУЛЬТЕТ
АРХЕОЛОГИЯ
на историческом факультете
программы учебных курсов

Под редакцией
академика РАН, проф. В.Л. Янина и доц. А.Р. Канторовича
Допущено УМО по классическому университетскому
образованию в качестве учебного пособия
для студентов высших учебных заведений, обучающихся
по направлению подготовки ВПО ۰۳۰۶۰۰ «История»
۲۰۱۱ Москва

- سایتهای انترنیتی در مورد انسانهای باستان به لسان روسی

- عبدالحی حبیبی " سهم افغانستان در انتقال فرهنگ آسیای میانه" فصل اول. دوره ماقبل آریائیها.

- علی احمد کهزاد « فروغ فرهنگ»

- میر محمد غبار «افغانستان در مسیر تاریخ. فصل دوم. افغانستان از گذشته دور تا قرن ۶ قبل از میلاد» (ص. ۳۲، ۳۴، ۳۵)

- کتاب نام و ننگ. تولد دوباره خراسان کهن در هزاره نوبیامقدمه دکتور مسعود میرشفاهی نوشته سلیمان راوش (کتاب پیشین، شاهنامه، ص ۱۱-۱۲)، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۳۶-۳۲

- شمشاد (اسطوره رستم و اسفندیار) سایت «اصالت»

- سایت دانشنامه آریانا

آدرس پستی :

zaherdaqiq@gmail.com

[zdaqiq@facebook.com](https://www.facebook.com/zdaqiq)

مورخ ۲۰۱۱-۰۹-۲۴

ظاهر دقیق - هاند

www.esalat.org